

هفت‌گانه‌ها در فرهنگ مردم کرد و لر و ریشه تاریخی آنها

نجم‌الدین گیلانی^۱

چکیده

یکی از موضوعات مهم و قابل تأملی که ذهن پژوهشگران را به خود مشغول داشته، تداوم فرهنگی ایرانیان است. بسیاری از مؤلفه‌های فرهنگی ایرانیان از پس هزاره‌ها گذشته و امروزه به همان شیوه در بین مردم ایران رایج هستند. یکی از این موارد، تقدس و جایگاه بالای عدد هفت است؛ گرچه این عدد در اکثر فرهنگ‌ها از جایگاه بالا و آیینی برخوردار بوده و هست؛ ولی تمرکز این مقاله بر هفت‌گانه‌های موجود در فرهنگ مردم کرد و لر و ریشه‌شناسی تاریخی آنها بود که بسیاری از آنها ریشه در تاریخ و اساطیر ایران دارد. جلوه‌های عدد هفت را در جشن‌ها، باورهای مذهبی، عزاداری‌ها، بازی‌ها، نام مناطق جغرافیایی و نام طوایف این اقوام به وضوح می‌توان دید. در این تحقیق با استناد به منابع کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی و به روش توصیفی - تحلیلی، هفت‌گانه‌های رایج در فرهنگ مردم کرد و لر از نظر تاریخی بررسی شد؛ در واقع هدف از انجام این تحقیق یافتن پاسخ برای این سؤالات بود که هفت‌گانه‌های موجود در فرهنگ مردم کرد و لر کدامند و تا چه میزان ریشه در تاریخ و فرهنگ ایران دارند؟ از جمله هفت‌گانه‌های رایج در فرهنگ مردم کرد و لر، هفت شبانه روز جشن عروسی، هفت ساز و هفت دهل، هفت رقم شام عروس، هفت کوه، هفت چشمه، هفت آسیاب، هفت لنگ، هفت سنگ، هفت کل و ... را می‌توان نام برد. واژگان کلیدی: هفت‌گانه، ریشه تاریخی، فرهنگ مردم، کرد، لر.

مقدمه

عدد هفت یکی از پر رمز و رازترین اعداد در ادیان، مذاهب، باورها و فرهنگ اقوام مختلف جهان می‌باشد. حضور و جایگاه این عدد و تداوم آن در فرهنگ مردم ایران از موارد قابل توجهی است که هنوز جای تعمق، تفکر و پژوهش دارد. در این پژوهش سعی بر آن است که هفت‌گانه‌های موجود در فرهنگ مردم زاگرس؛ به‌ویژه مردم کرد و لر بررسی شود. شواهد موجود حاکی از جایگاه ویژه عدد هفت در فرهنگ آنان است؛ ضمن اینکه هفت‌گانه‌های موجود در فرهنگ مردم این اقوام تا حدودی تداوم باورهای اساطیری و تاریخی ایرانیان می‌باشد؛ به عنوان نمونه در تاریخ ایران، این عدد در نامگذاری مناطق جغرافیایی همچون: «هفت کوه»، «هفت رود» و «هفت چشمه» مورد توجه بوده است. امروزه نیز همین عناوین در جای‌نامهای مردم کردستان، لرستان، ایلام، بختیاری و یاسوج موجود است. در طول تاریخ ایران پیش و پس از اسلام در منابع از جشن‌ها و عزاداری‌های «هفت روزه» سخن رفته است که امروزه نیز در فرهنگ مردم ایران؛ به‌ویژه زاگرس‌نشین‌ها به وضوح دیده می‌شود؛ البته در آیین‌های عروسی مردم لر و کرد، هفت‌گانه‌های بسیاری (هفت روز و هفت شب عروسی، هفت ساز و هفت دهل، هفت خلعت، هفت رقم شام عروس، هفت پایبند زرین) وجود دارد که تاکنون توجه چندانی به آنها نشده و تقریباً در حال فراموش شدن هستند؛ همچنین در میان مردم لر، طوایفی با نامهای «هفت تخم^۱» و «هفت لنگ» وجود دارد که می‌تواند با «هفت خاندان» تاریخ ایران باستان سنخیتی داشته باشد؛ علاوه بر این، هفت‌گانه‌های موجود در آیین اهل حق، جای بسی تعمق و تفحص دارد که در این تحقیق تلاش شده است به شرح و بسط مطالب بالا پرداخته شود.

پیشینه تحقیق

درباره جایگاه عدد هفت، مقالات و تحقیقات ارزشمندی انجام گرفته است؛ به عنوان نمونه، روح‌الامینی (۱۳۶۱) در مقاله خود به جایگاه «عدد هفت در اساطیر و ادیان» جهان و توابعی (۱۳۷۳) در مقاله‌ای به «نقش و تأثیر عدد هفت در

۱. هفت تخمه، هفت دودمان

شاهنامه فردوسی» پرداخته است. شریف محلاتی (۱۳۵۷) نیز کتابی با عنوان «هفت در قلمرو فرهنگ جهان» نگاشته است؛ اما تاکنون تحقیق مستقلی راجع به جایگاه عدد هفت در فرهنگ مردم کرد و لر انجام نگرفته است؛ بنابراین پرداختن به این موضوع و ریشه‌یابی تاریخی این سنت‌ها از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است.

جایگاه عدد هفت در فرهنگ ایرانیان

عدد هفت از دیرباز همواره مورد توجه اقوام مختلف جهان؛ به‌ویژه ایرانیان بوده است (ر.ک. موید شریف محلاتی، ۱۳۵۷؛ روح‌الامینی، ۱۳۶۱: ۱۱۰۹-۱۰۱۳). به نظر می‌رسد قدیمی‌ترین قومی که به عدد هفت توجه داشته‌اند، سومریان بوده‌اند (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه). در تاریخ ایران نیز آنگونه که از شواهد پیداست، ابتدا در میان ایلامیان، عدد هفت از جایگاه خاصی برخوردار بوده؛ چنانکه پیرامون زیگورات چغازنبیل را دیواری فرا گرفته است که این دیوار، هفت دروازه داشت (هیتس، ۱۳۸۹: ۱۹۰). عدد هفت در آیین میتراپی نیز جایگاه سپندی داشت. در این آیین هفت مرحله سلوک وجود داشت که سالک آیین میتراپی می‌بایست از آن می‌گذشت و این نمادی بود از عبور روح از هفت آسمان تا منزلگاه نور و این به گمان زرین‌کوب (۱۳۸۳: ۲۱) «مقدمه اتحاد عارفان با مقام الوهیت بود».

در آیین زرتشت نیز هفت از اعداد سپند می‌باشد؛ چنانکه گاهان به هفت نسک تقسیم شده است. هادک مانسریگ نیز در بردارنده نیاپش‌های هفت‌گانه می‌باشد. ودادیک نیز هفت نسک دارد (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۲۲-۲۱؛ ساسانفر، ۱۳۸۶: ۵۶) ضمن اینکه در تفکر زرتشتی، هفت امشاسپند وجود دارد که هم‌کردار، هم‌گفتار و هم‌اندیشه‌اند (پورداد، ۲۵۳۶ الف: ۳۳۴). همچنین بنا بر باور زرتشتیان، زمانی که زرتشت به دنیا آمد، هفت جهی یا هفت جادوگر پیرامون او گرد آمده بود که از تولد معجزه‌آمیز او ترسیدند (آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۰: ۴۳)؛ علاوه بر این، ملاقات زرتشت با هفت سالمند در کنار رود هان (han) و هفت همپرسگی و گفتگوی او با امشاسپندان (رضی، ۱۳۸۸: ۷۵-۶۹) و هفت کشور که در یشت‌های متعدد گاتها به آن اشاره شده است (پورداد، ۲۵۳۶ الف: ۳۳۴) همگی گواه بر اهمیت و سپندی عدد هفت در آیین زرتشت



است؛ البته عدد هفت در شاهنامه فردوسی و دیگر منابع ادبی نیز جایگاه بالا و رمزآمیز خود را دارد (ر.ک. تواضعی، ۱۳۷۳: ۴۷-۴۰). در شاهنامه فردوسی از هفت خوان رستم، هفت کشور، هفت گرد، هفت مرد، هفت کوه، هفت چشمه و ... بارها نام برده شده که در متن به آنها استناد خواهد شد.

در آیین مزدک نیز اعتقاد بر این بود که عالم روحانی مانند عالم جسمانی است و مانند همین عالم تشکیل یافته است. «و می‌گفت خداوند آسمان‌ها روی تختی نشسته و مانند پادشاهی است و برابر او چهار نیرو ایستاده‌اند که این چهار نیرو کارهای جهانی را به دست هفت وزیر که آنها را سالار و پیشکار و بلوان یا بروان و کاردان و دستور و کودک نامیده است اداره می‌کنند» (نقیسی، ۱۳۸۸: ۸۲). در آیین مانوی نیز عدد هفت، جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به عنوان مثال در این آیین از هفت مهر نام برده شده که سالک باید رعایت کند.

عدد هفت در فرهنگ مردم ایران پس از اسلام نیز همچنان جایگاه مقدس و رمزی خود را حفظ کرد؛ به طوری که در نیمه اول سده دوم هجری، به آفرید هفت نماز را بر پیروان خود واجب گردانید: «یکی در توحید خدا، یکی در خلقت آسمانها و زمین، یکی در خلقت جانوران و روزی ایشان و نمازی در مرگ، نمازی در رستاخیز و روزشمار، نمازی در باب اهل بهشت و دوزخ و آنچه برای ایشان آماده شده و نمازی در ستایش اهل بهشت» (بیرونی، ۱۳۶۳: ۲۱۰). جایگاه بالای عدد هفت همچنان در فرهنگ مردم ایران موجود است که به دلیل گستردگی موضوع، در این پژوهش بر هفت‌گانه‌های زاگرس‌نشینان تمرکز می‌شود.

۱. هفت‌گانه‌های جشن و عروسی

هفت شب و هفت روز عروسی همراه با هفت ساز و هفت دهل

عدد هفت در خرده‌فرهنگ‌های مردم ایران از جایگاه بالایی برخوردار است. تقریباً می‌توان گفت در نزد تمام اقوام ایرانی تا پیش از اینکه گرفتار هیاهوی دنیای مدرن و مدرنیته شوند، مراسم عروسی و جشن، هفت‌روزه بود؛ به طوری که هنوز در برخی از مناطق سنتی استان‌های کرمانشاه، کردستان، ایلام، لرستان، خوزستان، یاسوج و شهرکرد، مراسم عروسی یک هفته است. جالب توجه این است که هفت‌ها در مراسم جشن و عروسی اقوام لر و کرد جایگاه ویژه‌ای

دارند؛ به طوری که آنها در عروسی‌های هفت‌روزه، هفت ساز و هفت دهل می‌آورند.

جشن‌های هفت‌روزه در تاریخ ایران سابقه دیرینه‌ای دارد؛ چنانکه در شاهنامه فردوسی بارها به جشن‌های هفت روزه اشاره شده است؛ به عنوان نمونه، به مناسبت به پادشاهی رسیدن کی خسرو:

از آن پس همی خوان و می خواستند
 بودند یک هفته با رود و می
 ز هر گونه مجلس بیاراستند
 بزرگان به ایوان کاوس کی
 (فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۳۷۶)

همچنین در داستان سیاوش آمده است:

یکی سور فرمودند کاندلر جهان
 یک هفته زان گونه بودند شاد
 کسی پیش از وی نکرد از مهان
 بهشتم در گنجها برگشاد
 (همان: ۲۵۸)

همچنین:

تهمتن بدو گفت یک هفته شاد
 همی باش تا پاسخ آریم یاد
 (همان: ۲۸۰)

در منابع مربوط به عهد ساسانی نیز از جشن‌های هفت‌روزه بسیار یاد کرده‌اند؛ چنانکه به عهد قباد، هنگامی که مزدک توانست از راه مناظره بر موبد پارس پیروز گردد «شاد شد و به آتشکده شد که هفت روز خدمت آتش کند» (خواجه نظام‌الملک، ۱۳۹۴: ۲۳۷). بهرام گور نیز بعد از آنکه به یاری لشکری از اعراب توانست بر تخت پادشاهی بنشیند، یک هفته جشن گرفت و تمام ایران نیز یک هفته جشن گرفتند و پایکوبی کردند: «...و بهرام بر تخت پادشاهی نشست و جمله بزرگان فرس و عرب در پیش او بخدمت بایستادند ... و جمله پارسیان منذر را بشفاعت آوردند کی این خطا کی بر ما رفت ببخشید و عفو کنید و بهرام شفاعت وی قبول کرد و هفته بنشاط مشغول شدند» (ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۷۸). طبری (۱۳۶۲، ج ۲: ۶۲۲-۶۲۱) نیز به این جشن هفت روزه و بار عام دادن هفت روزه بهرام گور اشاره کرده است؛ در شاهنامه فردوسی هم به

این امر توجه شده است:

به شهر اندر آمد ز نخجیرگاه یکی هفته بد شادمان با سپاه

(فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۱۲۰)

بودند یک هفته با می به دست همه شاد و خرم به جای نشست

(همان: ۱۱۵۰)

در هفت پیکر نظامی نیز بهرام هفت دختر را از هفت کشور خواستگاری می‌کند. از آنجا که او شاه هفت کشور است، هفت گنبد با هفت رنگ می‌سازد و به هر عروسی یک گنبد می‌دهد و در هفت شب به نشانه هفت ستاره آسمانی، برای عروسان هفت داستان رمزی می‌گوید و جشن می‌گیرد (نظامی، ۱۳۱۵: ۱۴۳-۱۳۵).

برکشیده بر این صفت پیکر هفت گنبد بطبع هفت اختر

هفت کشور تمام در عهدش دختر هفت شاه در مهدش

(همان: ۱۴۶)

چنین به نظر می‌رسد که جشن‌های هفت روزه در گنبدهای هفت‌گانه و هفت‌رنگ نمادین بوده و با آسمان و سیارات ارتباط داشته‌اند؛ البته وجود قلعه‌های هفت‌گانه سابقه‌ای دیرینه‌تر داشته؛ چنانکه در توصیف کاخ بلندی که به تقلید از معبد «بیوس» نمرود به دستور پادشاه ماد (دیااکو) در همدان ساختند چنین آمده است: «این قصر هفت قلعه تو در تو و با دیواری محاط درهم داشت و بتقلید از معابد بابل و بخصوص معبد بیوس برای هر یکی از دیوارهای قلعه رنگی انتخاب کرده بود» (گزنفون، ۱۳۴۰: ۴۷؛ هرودوت، ۱۳۳۶: ۱۸۷). نکته قابل توجه این است که از میان این هفت قلعه تو در تو، رنگ قلعه هفتم یا دیوار هفتم طلایی بود که بیانگر برتری قلعه هفتم نسبت به دیگر قلعه‌هاست. گزنفون (۱۳۴۰: ۴۷) شرح می‌دهد که «این رنگ‌ها در بابل علامت سیارات سبعة بود و خزائن پادشاه در درون قلعه هفتم محفوظ بود» و این به وضوح گواه بر فلسفه و اهمیت عدد هفت در فرهنگ‌های اقوام مختلف است.

سنت برگزاری جشن یک هفته‌ای در دربار اسماعیلیان الموت نیز مرسوم بود؛ چنانکه آنها بعد از قتل خلیفه المسترشد هفت شبانه‌روز جشن برگزار

کردند (لوئیس، ۱۳۸۳: ۱۰۹)؛ همچنین به دنبال قتل خلیفه عباسی، الرشید، به دست اسماعیلیان خراسانی، در الموت به افتخار این پیروزی یک هفته جشن و سرور برپا بود (همان: ۱۱۲).

جواهرات هفت‌گانه عروس

در لرستان و برخی نواحی ایلام وقتی عروس را به خانه بخت می‌برند به نشانهٔ سعادت او در آینده، هفت پایبند از جواهرات مختلف بر پای او می‌بندند^۱. به نظر می‌رسد که این مورد نیز ریشه در اساطیر ایران داشته باشد؛ زیرا یکی از اعیاد ایرانیان باستان، عید شهریورگان یا آذر جشن، مصادف با روز چهارم شهریور بود. ایرانیان اعتقاد داشتند که «شهریور فرشته‌ایست که بجواهر هفت‌گانه که طلا و نقره و دیگر فلزات که قوام صنعت و دنیا و مردم بدان است موکل است» (بیرونی، ۱۳۶۳: ۳۶۶).

هفت رقم شام عروس

در لرستان، ایلام و کرمانشاه رسم است که شب اول زفاف، هفت رقم غذا در هفت ظرف، طی مراسمی نمادین، به وسیلهٔ هفت دختر رعنا و زیبا با حرکات موزون با عنوان «شام عروس»، به خانهٔ عروس و داماد می‌برند.

هفت خلعت عروس

یکی از سنت‌های رایج در فرهنگ مردمان لر و کرد این بود که داماد بعد از خواستگاری، معمولاً هفت نوع خلعت برای هفت تن از بستگان عروس (مادر، پدر، دایی، عمو، برادر، خواهر و خاله) می‌گرفت. خلعت‌ها نیز بسته به وسع خانوادهٔ داماد، شامل: اسب زین و برگ و لگام کرده، تفنگ برنو، ساعت و لباس برای مردان و چادر، لباس، جلیقهٔ پول‌دوزی و طلا و جواهرات برای زنان می‌شد که قبل از مراسم عروسی می‌گرفتند^۲. سنت هفت خلعت از سابقه‌ای

۱. مصاحبه با پری غلامیان، ۵۰ ساله از شاهپوند لرستان؛ قزی غیائی، ۷۰ ساله از دره‌شهر ایلام و زینت عزیزی، ۷۵ ساله از روستای بدرآباد روانسر.

۱. مصاحبه با جعفر فیلی، ۵۵ ساله از شهرستان دره‌شهر؛ کدخدا سوخته حق‌نژاد، ۷۵ ساله از روستای تخت‌خان آبدانان؛ محمدنقی غلامی، ۶۰ ساله از شهرستان چگنی لرستان، عابد پرهیز، ۷۰ ساله از گیلانغرب کرمانشاه؛ هاجر حسن‌پور، ۷۰ ساله از روستای آسمان‌آباد سرابله.



تاریخی نیز برخوردار است؛ چنانکه خلیفه الطائع فرموده بود سلطنت را به فخرالدوله اعطا کنند. این کار را با اعطای لقب «فلک‌الدوله» و فرستادن هفت دست خلعت انجام داد (کرمر، ۱۳۷۵: ۲۷۴). در تاریخ گزیده نیز راجع به سفر ملک‌شاه سلجوقی به حج آمده است که «پیشتر رسم بود که از هر جایی، به چند جایگاه، هر جا هفت مثقال زر سرخ می‌ستدند» (مستوفی، ۱۳۶۴: ۴۳۵).

۲. مراسم هفت روز در عزاداری

مراسم هفته در عزا در بین تمامی اقوام ایرانی مشترک است؛ البته این مراسم خاص ایرانیان نیست؛ چنانکه در حماسه گیلگمش، او بعد از مرگ رفیق خود انکیدو، شش روز تمام گریه می‌کند و در روز هفتم که بدن او رو به فساد می‌رود و کرمها در او ظاهر می‌شوند، او را دفن می‌کند (منشی‌زاده، ۱۳۸۲: ۶۹-۶۸). گیلگمش تا روز هفتم به امید زنده شدن دوست خود او را دفن نمی‌کند: «شب و روز بر او گریستم و او را در گور نگذاشتم. من منتظر بودم و می‌پنداشتم رفیق من باید با فریاد من بیدار شود. هفت روز و هفت شب آنجا افتاده بود تا کرم بر او افتاد...» (همان: ۸۲)؛ بر این اساس به نظر می‌رسد بشر در ابتدا یا به امید زنده شدن مرده یا عدم دل‌کندن از او تا سوم یا هفتم، جسد را در خاک دفن نمی‌کرده و پس از گذشت این چند روز با فاسد شدن لاشه، مجبور به دفن و ترک او می‌شده است؛ به همین دلیل این ایام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود؛ در هر حال، در بین اقوام لر و کرد، مراسم سه روزه، هفتم، چهلم و سالگرد با اندک تفاوت‌هایی مانند سایر مناطق ایران برگزار می‌شود (بلوک‌باشی، ۱۳۴۴: ۷۸؛ ماسه، ۱۳۵۵، ج ۱: ۱۶۹؛ سیستانی، ۱۳۷۳: ۴۲۷). در شاهنامه فردوسی نیز مدت ایام سوگواری، سه روزه، یک هفته، چهل روزه و یک ساله است. زمانی که خبر مرگ سیاوش به رستم می‌رسد، او و زال یک هفته در مرگ او عزاداری می‌کنند:

به یک هفته با سوگ بود و دژم به هشتم برآمد ز شیپور دم

(فردوسی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۷۲)

رستم وقتی از زابلستان به دربار کاووس می‌رسد نیز یک هفته سوگواری می‌کند:

چو یک هفته با سوگ و با آب چشم به درگاه بنشست پر درد و خشم
به هشتم بزد نای رویین و کوس بیامد به درگاه گودرز و طوس

(همان: ۳۷۳)

۳. هفت در جای نام‌ها

نام کوه‌ها

در کوه‌های بین لرستان، ایلام و خوزستان، امامزاده‌ای در قلعه کوه وجود دارد که مشهور به شاه‌محمد هفت‌کوه می‌باشد. برای رسیدن به این امامزاده باید از هفت کوه گذشت که در گذشته مسیری سخت و دشوار داشته است؛ ولی امروزه به راحتی می‌توان به آن رسید؛ همچنین کوه هفت‌تنان (به لهجه محلی: هفت‌نون) با ارتفاع بیش از ۱۸۰۰ متر از سطح دریا در منطقه سردشت خوزستان واقع شده است.

در شاهنامه فردوسی نیز بارها از «هفت کوه» یاد شده؛ چنانکه در پادشاهی کی‌کاووس و رفتن او به مازندران آمده است:

مگر یار باشدت یزدان پاک سر جادوان اندر آری به خاک
گذر کرد باید بر هفت کوه ز دیوان به هر جای کرده گروه
یکی غار پیش آیدت هولناک چنانچون شنیدم پر از بیم و باک

(همان: ۱۸۸)

چو رخس اندر آمد بر آن هفت کوه بران نره دیوان گشته گروه

(همان: ۲۰۰)

نام چشمه‌ها، رودها، شهرها و روستاها

از نمونه‌های «هفت‌گانه» که در اکثر نقاط کشور و به تعداد فراوان تکرار شده است، نام برخی چشمه‌ها، آبشارها و روستاهاست؛ همچون: «هفت چشمه»، «هفت‌رود»، «هفت‌آبشار» و ... که آوردن فهرست همه آنها از حوصله به دور است؛



ولی بی‌شک همگان همداستان هستند که در اکثر شهرهای ایران روستاهایی با نام «هفت چشمه»، وجود دارد. در میان زاگرس‌نشینان نیز این تعدد وجود دارد. شهرهای «هفتکل» و «هفت‌تپه» در خوزستان، شهر «هفت چشمه» در لرستان و روستای «هفت چشمه» در ایلام و شهرستان‌های تابع، کرمانشاه و شهرستان‌های تابع، کردستان و شهرستان‌های تابع، لرستان، شهرکرد، یاسوج و خوزستان وجود دارد؛ علاوه بر این در شهرستان دره‌شهر استان ایلام، منطقه‌ای توریستی و گردشگری به نام «هفت‌آسیاب» وجود دارد که دارای «هفت آسیاب» با «هفت آبشار» بسیار زیبا و دیدنی است.

بر اهل تحقیق پوشیده نیست که آب و چشمه و رود در تفکر ایرانیان مقدس بود (کریستن‌سن، ۱۳۷۷: ۲۱۱)؛ چنانکه در اوستا بارها از ستایش آب سخن به میان آمده است: «همه آبهای چشمه و آبهای روان در رودها را می‌ستاییم» (دوستخواه، ۱۳۷۴: ۲۶۳؛ گویری، ۱۳۸۲: ۱۰۶)؛ «همه آب‌های خدا آفریده را خواستار ستاییدنم» (پورداد، ۲۵۳۶ ب: ۱۲۹). عدد هفت نیز چنانکه گفته شد از تقدس بالایی برخوردار بود؛ به طوری که در وندیداد آمده است: «پانزدهمین سرزمین و کشور نیکی که من -اهوره‌مزدا- آفریدم «هفت رود» بود» (همان: ۱۱)؛ بنابراین عناوین و نامهای «هفت چشمه» و «هفت رود» جمع بین دو مقدس (هفت و رود) هستند. در شاهنامه فردوسی نیز بارها از «هفت چشمه» یاد شده است؛ فریدون سه چیز را به ایرج می‌دهد که یکی از آنها «هفت چشمه گهر» است:

جهاندار شاه آفریدون سه چیز	بر آن پادشاهی برافروزد نیز
یکی تخت و آن گرزۀ گاوسار	که ماندست زو در جهان یادگار
سدیگر کجا هفت چشمه گهر	همی خواندی نام او دادگر

(فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۴۸۷)

۴. نام طوایف

در لرستان طایفه‌ای با نام «هفت تخم» وجود دارد که از هفت تیره یا «تخمه» تشکیل شده است؛ البته در بختیاری نیز طایفه «هفت لنگ» وجود دارد که ظاهراً از «هفت برادر» گرفته شده باشد. در منابع تاریخی به کرات از خاندان‌ها و دودمان‌های «هفت‌گانه» نام برده شده که در تحولات سیاسی ایران باستان

نقش آفرین بوده‌اند (فرای، ۱۳۸۸: ۱۶۷؛ بریان، ۱۳۷۸: ۱۶۲۰ و نیز ر.ک. ایمانی‌پور و گیلانی، ۱۳۸۹: ۵۶-۴۳). این هفت خاندان در عهد اشکانی و ساسانی در رأس امور بودند و مشاور، ملازم و پشتیبان پادشاه به حساب می‌آمدند (طبری، ۱۳۶۲: ۶۲۱). در شاهنامه فردوسی نیز بارها از «هفت گردیل» یاد شده است:

وزان هفت گرد سوار دلیر که بودند هر یک بکردار شیر
که ما را ببايد کنون ساختن به ناگاه بردن یکی تاختن
گر این هفت یل را به چنگ آوریم جهان پیش کاووس تنگ آوریم

(فردوسی، ۱۳۸۵: ۱۸۱)

۵. بازی‌ها

یکی از موضوعات مهم و قابل توجهی که پژوهش‌های عمیق و گسترده‌ای می‌طلبند، بازی‌های محلی است که می‌توان حدس زد هر کدام از آنها با فلسفه‌ای خاص به وجود آمده است. در این رابطه ویل دورانت (۱۳۷۸: ۹۸) می‌گوید: «آنچه امروز در نظر ما بازی و تفریح به نظر می‌رسد، بیگمان برای انسان اولیه از امور جدی به شمار می‌رفته است». بسیاری از بازی‌های محلی، فلسفه جنگی دارند؛ حتی رقص با چوب در میان مردم بختیاری، به وضوح مشق نظامی و تمرین جنگیدن می‌باشد.

یکی از بازی‌هایی که در میان مردم بختیاری رایج است، «هفت کل» می‌باشد. این بازی که از دو تیم تشکیل می‌شود، به این صورت است که هر تیم «هفت سنگ» نشانه در یک راستا می‌نشانند که اولین سنگ از بین آنها از جایگاه برتری برخوردار می‌باشد و آن را به نام «پیش جنگ» می‌شناسند. هر کدام از اعضای دو تیم به ترتیب سعی می‌کنند «هفت کل» را نشانه‌گیری کنند و شکست دهند. اینکه چرا اولین سنگ از بین این سنگ‌ها با عنوان «رئیس» و «پیش‌جنگ» شناخته می‌شود و اینکه بعد از شکست یا افتادن «هفت سنگ» یک تیم پیروز میدان می‌شود، قابل تأمل است؛ آیا این موارد «هفت گرد» در شاهنامه یا «هفت خاندان» در تاریخ ایران باستان را در ذهن تداعی نمی‌کند؟ در ایران باستان از میان هفت خاندان، یکی سرخاندان یا خاندان شاهی به حساب می‌آمد و شش خاندان دیگر از او پیروی می‌کردند. در جنگ‌ها نیز آن شش خاندان، حامی و پشتوانه نظامی خاندان شاهی بودند. ضمن اینکه در شاهنامه آمده است که اگر



می‌خواهیم کاووس را به تنگ آوریم، باید آن هفت گردیل به دست آوریم؛ در واقع برای شکست یک کشور باید هفت گردیل که سرخاندان هفت خاندان بودند را شکست می‌دادند. در این بازی نیز بعد از شکستن هفت‌کل، هفت نشانه و هفت گرد است که تیم مقابل پیروز میدان می‌شود.

۶. هفت‌گانه‌های اهل حق (یارسایان)

اهل حق یا یارسایان عنوان پیروان طریقتی مذهبی - عرفانی است که در میان طوایف کرد و لر پیروان بسیار دارد و در بستری اسلامی رشد کرده است و در عین حال، به سبب غلو در حق حضرت علی (ع) با سایر فرق غالی شیعه قرابت دارد؛ با این وجود، بعضی از مبادی آن را می‌توان در اعتقادات و سنت‌های فکری و فرهنگ عامه مردم ساکن غرب ایران جستجو کرد و رگه‌هایی از اعتقادات ایرانی پیش از اسلام را نیز در آن یافت. «آیین حق»، «آیین حقیقت» یا «دین حقیقت» از نام‌های دیگر فرقه اهل حق است. به راهروان و پیروان این فرقه، «یار» گفته می‌شود؛ به همین دلیل اهل حق به «یارستان» یا «یارسان» مشهورند (جیحون‌آبادی، ۱۳۴۵: ۴۲۰ و ۴۴۵).

در طریقه یارسان بسیاری از آداب و سنن ایران باستان را می‌توان باز یافت. شواهد موجود حاکی از پیوستگی این آیین با اندیشه‌ها و آداب ایرانی کهن است (افضلی شاه‌ابراهیمی، ۱۳۴۵: ۴۶۷)؛ از جمله این آداب می‌توان به اعتقاد راسخ آنها به اصول خلاق زرتشتی از جمله: گفتار نیک، کردار نیک و پندار نیک اشاره کرد. برپایی آتش بر سر مزار و اصول رمزی و هفت‌گانه آنها نیز بیشتر به آیین مهرپرستان تشابه دارد؛ چراکه آنها نیز چون مهرپرستان باورهای خود را به صورت رمزی و همراه با شعر بیان می‌کنند و هفت در مراسم آنها از جایگاه خاصی برخوردار است (صفی‌زاده، ۱۳۴۵: ۲۸۳-۲۸۲). عدد هفت در مراتب روحانی اهل حق همانند مراحل روحانی آیین مهر و مراتب عرفانی در ایران پس از اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چنانکه مراتب روحانی آنان به ترتیب، عبارتند از: ۱. هفتنان، ۲. هفتوانه، ۳. هفت سردار و ۴. قولطاسیان (هفت نفر اهل قولطاس) که جمع آنها ۲۸ تن می‌شود (جیحون‌آبادی، ۱۳۴۵: ۳۸۳-۳۸۷). یاران طبقه اول که «هفت تن» یا «هفتنان» نامیده می‌شوند برای هدایت مردم در هر دوره‌ای در قالب انبیا یا خاصگان ظاهر می‌شوند و خود

دارای مقام هفت ملک مقرب هستند (الهی، ۱۳۴۳: ۱۵۴). این مورد با مراحل هفت گانه سیر و سلوک اسماعیلیان نیز شباهت دارد (مایل هروی و عشیق کابلی، ۱۳۴۴: ۱۰۹)؛ علاوه بر این، اهل حق مراسم نذری دارند، با عنوان «نذر یاری» که به معنای نذر یاری رساندن یاران می‌باشد. در این مراسم به مدت هفت روز، اهل حق نذری درست می‌نمایند و در بین مردم تقسیم می‌کنند!

نتیجه‌گیری

عدد هفت یکی از اعداد رمزی در بین بسیاری از اقوام، ادیان و ملل مختلف می‌باشد که از گذشته‌های دور باستانی تاکنون جایگاه و سپندی خود را حفظ کرده است. در این مقاله هفت گانه‌های موجود در فرهنگ مردم لر و کرد و ریشه تاریخی آنها مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. شواهد حاکی از آن است که هفت در فرهنگ مردم زاگرس از قداست خاصی برخوردار است و اکثر جلوه‌های آن، ریشه در تاریخ و اساطیر ایران دارد؛ از جمله مواردی که مورد بررسی قرار گرفت هفت گانه‌های موجود در جشن‌ها، عزاداری‌ها، نام شهرها، روستاها، کوه‌ها، چشمه‌ها، رودها، طوایف و بازی‌ها بود. مردمان کرد و لر در گذشته‌های نه چندان دور همانند دیگر مردمان ایران در عروسی‌های خود، هفت شبانه روز جشن داشتند. گاهی اوقات در مراسم عروسی، هفت ساز و هفت دهل می‌آوردند و با هم می‌نواختند؛ البته جشن‌های هفت روزه ریشه در تاریخ باستانی ایران دارد؛ به طوری که در شاهنامه بارها از جشن‌های هفت روزه نام برده شده است. در آثار نظامی گنجوی، نظام‌الملک، طبری و دیگر منابع کهن نیز بارها از جشن‌های هفت روزه به مناسبت‌های مختلف یاد شده است؛ علاوه بر این، در بین مردم لر و کرد رایج است که داماد بعد از مراسم خواستگاری، هفت خلعت برای هفت تن از نزدیکترین بستگان عروس بخرد. این سنت نیز ریشه در تاریخ دارد؛ چنانکه خلیفه عباسی، الطائع، هفت خلعت به همراه لقب برای فخرالدواله دیلمی فرستاد؛ همچنین در مراسم عروسی مردمان زاگرس؛ به‌ویژه در لرستان و ایلام (کوه‌دشت و دره‌شهر) چنین رایج است که در شب زفاف، هفت رقم غذا در هفت ظرف توسط هفت دختر رعنا، طی

۱. مصاحبه با برانازار رشیدپور، ۶۰ ساله از کوه‌دشت لرستان و پیرو فرقه اهل حق..



مراسم خاصی با عنوان شام عروس به خانه عروس و داماد می‌برند؛ همچنین در برخی جاها مثل شاهپوند لرستان رایج است که هفت پایبند زرین بر پای عروس می‌بندند.

عدد هفت در مراتب روحانی اهل حق نیز همانند مراحل روحانی آیین مهر و مراتب عرفانی در ایران پس از اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چنانکه مراتب روحانی آنان به ترتیب، عبارتند از: هفتان، هفتوانه، هفت سردار و قولطاسیان (هفت نفر اهل قولطاس) که جمع آنها ۲۸ تن می‌شود؛ علاوه بر این، اهل حق مراسم نذری هفت روزه دارند.

عدد هفت در نام مناطق جغرافیایی، کوه‌ها، رودها، چشمه‌ها و آبشارها نیز آمده است که این مورد نیز ریشه در باورهای اساطیری و آیینی دارد؛ همچنین در لرستان و بختیاری طوایفی با نامهای «هفت تخم» و «هفت لنگ» وجود دارد که تداویکننده هفت خاندان مشهور در ایران باستان و هفت گرد شاهنامه است. «هفت کل» نیز یک بازی محلی در بین بختیاری‌هاست که به نظر می‌رسد فلسفه جنگی داشته باشد.

منابع و مأخذ

- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی؛ (۱۳۷۰)، اسطوره زندگی زرتشت، تهران: کتابسرای بابل.
- ابن بلخی؛ (۱۳۸۵)، فارسنامه، به تصحیح و تحشیه گای لیسترانج و نیکلسون، تهران: اساطیر.
- افشار سیستانی، ایرج؛ (۱۳۷۳)، ایلام و تمدن دیرینه آن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
- افضل‌لی شاه‌ابراهیمی، علیار؛ (۱۳۴۵)، «اهل حق»، مهر، شماره ۳.
- الهی، نورعلی؛ (۱۳۴۳)، برهان الحق، به کوشش تقی تفضلی، تهران: امیرکبیر.
- ایمانپور، محمدتقی و نجم‌الدین گیلانی؛ (۱۳۸۹)، «نقش خاندان‌های کهن در فراز و فرود سلسله‌های ایران در ایران باستان»، پژوهش‌های تاریخی، دوره ۲، شماره ۳.
- بریان، پی‌یر؛ (۱۳۷۸)، تاریخ امپراتوری هخامنشیان، ج دوم، ترجمه مهدی سمسار، تهران: زریاب.

- بلوکباشی، علی؛ (۱۳۴۴)، آیین به خاک سپردن مرده و سوگواری آن، تهران: پیام نوین.
- بیرونی، ابوریحان؛ (۱۳۶۳)، آثارالباقیه، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران: امیرکبیر.
- پورداد، ابراهیم؛ (۲۵۳۶ الف)، یسنا (اوستا)، ج اول، تهران: دانشگاه تهران.
- _____؛ (۲۵۳۶ ب)، یشت‌ها، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران: تهران.
- توابعی، رسول؛ (۱۳۷۳)، «نقش و تأثیر عدد هفت در شاهنامه فردوسی»، شاهنامه پژوهی، ادبستان فرهنگ و هنر فرورین، شماره ۵۲.
- جیحون آبادی، نعمت‌الله؛ (۱۳۴۵)، حقالحقایق یا شاهنامه حقیقت، تهران: امیرکبیر.
- خواجه نظام‌الملک طوسی، ابوعلی حسن بن علی؛ (۱۳۹۴)، سیاستنامه (سیرالملوک)، به تصحیح عباس اقبال، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دوران، ویل؛ (۱۳۷۸)، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، پاشایی و امیرحسین آریانپور، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- دوست‌خواه، جلیل؛ (۱۳۷۴)، اوستا کهن‌ترین سرودها و متنهای ایرانی، تهران: مروارید.
- دهخدا، علی‌اکبر؛ (۱۳۷۳)، لغت‌نامه، تهران: اساطیر.
- راشد محصل، محمدتقی؛ (۱۳۸۲)، اوستا، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- رضی، هاشم؛ (۱۳۸۸)، اوستا کهن‌ترین گنجینه مکتوب ایران باستان، تهران: بهجت.
- روح‌الامینی، محمود؛ (۱۳۶۱)، «عدد هفت در اساطیر و ادیان»، چیستا، شماره ۸.
- زرین‌کوب، عبدالحسین؛ (۱۳۸۳)، تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن، ترجمه مجدل‌الدین کیوانی، تهران: سخن.
- ساسان‌فر، آبتین؛ (۱۳۸۶)، اوستا: برگردان هفت هات از گاتاها، سروده‌های زرتشت با متن اوستایی و گزارش‌های زبان‌شناسی، تهران: علم.
- شریف محلاتی، موید؛ (۱۳۵۷)، هفت در قلمرو فرهنگ جهان، تهران: بی‌نا.
- صفی‌زاده، صدیق؛ (۱۳۴۵)، دوره هفت‌توانه جزوی از نامه مینوی سرانجام، تهران: طهوری.
- طبری، محمد بن جریر؛ (۱۳۶۲)، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- فرای، ریچارد نلسون؛ (۱۳۸۸)، تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی فرهنگی.



- فردوسی، ابوالقاسم؛ (۱۳۸۵)، شاهنامه فردوسی، بر اساس نسخه ژول مل، به کوشش عبدالله اکبریان راد، تهران: الهام.
- _____؛ (۱۳۹۳)، شاهنامه، پیرایش خالقی مطلق، تهران: سخن.
- کرمر، جوئل. ل.؛ (۱۳۷۵)، احیای فرهنگی در عهد آل بویه: انسان‌گرایی در عهد رنسانس اسلامی، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کریستن سن، آرتور؛ (۱۳۷۷)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.
- گزنفون؛ (۱۳۴۰)، کورش‌نامه، ترجمه رضا مشایخی، تهران: علمی و فرهنگی.
- گوپری، سوزان؛ (۱۳۸۲)، یسن‌های اوستا و زند آنها، شمشاد: تهران.
- لویس، برنارد؛ (۱۳۸۳)، حشاشین فرقه‌ای تندرو در اسلام، ترجمه حسن خاکباز محسنی، تهران: کتاب زمان.
- ماسه، هانری؛ (۱۳۵۵)، معتقدات و آداب ایرانی، ترجمه مهدی روشن‌ضمیر، تهران: انجمن فرهنگ ایران باستان.
- مستوفی، حمدالله؛ (۱۳۶۴)، تاریخ گزیده، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- منشی‌زاده، داود؛ (۱۳۸۲)، افسانه گیلگمش: کهن‌ترین حماسه بشری، ترجمه لوحه‌های میخی: جرج اسمیت، ترجمه فارسی: داود منشی‌زاده، تهران: اختران.
- نظامی گنجوی، الیاس؛ (۱۳۱۵)، هفت‌پیکر، به تصحیح و حواشی وحید دستگردی، تهران: آگاه.
- نفیسی، سعید؛ (۱۳۸۸)، تاریخ تمدن ایران ساسانی، تهران: کتاب پارسه.
- هرودوت؛ (۱۳۳۶)، تاریخ هرودوت، ترجمه هادی هدایتی، تهران: دانشگاه تهران.
- مایل هروی، نجیب و اکبر عشیق کابلی؛ (۱۳۴۴)، نامه الموت، مشهد: بنگاه کتاب مشهد.
- هیئتس، والتر؛ (۱۳۸۹)، شهریار ایلام، ترجمه پرویز رجبی، تهران: ماهی.